

بیانات مبارک در رمله اسکندریه ۱۴ ربیع الأول ۱۳۳۰ در هتل ویکتوریا

از جمله مظاهر مقدسه الهیه حضرت زردشت بود نبوت حضرت مثل آفتاب واضح و روشن است برهانش ساطع است و دلیلش لائح و حجّتش قاطع حضرت زردشت وقتی ظاهر شد که ایران ویران بود و اهل ایران در نهایت خذلان مدّتی محاربات دائمی در میان ایران و ترکستان بود در ایام لهراسب جزئی آرامی یافت زیرا لهراسب بنده حقّ بود و تحرّی حقیقت مینمود بعد گشتاسب بر سریر سلطنت نشست باری ایران را ظلمات ذلّ و هوان احاطه کرده بود در چنین وقتی حضرت زردشت ظاهر شد ایران را روشن کرد و اهالی ایران را بیدار و هوشیار فرمود بعد از آنکه قوای ایران به تحلیل رفته بود و از هر جهت تدنّی حاصل شده ایرانیان گمراه و ظلمت نادانی مستولی دوباره بتعالیم حضرت زردشت جانی تازه گرفت و رو به ترقّی گذاشت تعالیم حضرت زردشت واضح است که تعالیم آسمانیست و نصایح و وصایای حضرت زردشت واضح است که الهیست اگر حضرت زردشت ظاهر نمیشد ایران محو و نابود شده بود اگر تعالیم حضرت زردشت نبود ایرانیان بکلی بینام و نشان شده بودند از فضائل عالم انسانی بکلی محروم میگشتند و از فیوضات ربّانیه بکلی محجوب ولی آن کوکب نورانی افق ایران را روشن کرد عالم اخلاق را تعدیل فرمود و ایرانیان را بتربیت الهی تربیت کرد باری نبوت حضرت زردشت مثل آفتاب واضح و آشکار است عجب است که نبوت حضرت موسی را قائلند و حضرت زردشت را انکار میکنند باری چون حضرت زردشت در قرآن صریحاً مذکور نیست لهذا اهل فرقان انکار او کردند و اعتراض بر او داشتند و حال آنکه در قرآن بعضی انبیا باسم مذکورند و اکثری از انبیا بصفت مذکور جمیع انبیا که در قرآن اسمشان مذکور است بیست و هشت پیغمبر است ماعدای آنها بدون تصریح اسم اکثرشان مذکور در خصوص حضرت زردشت میفرماید پیغمبریکه در سواحل رود ارس مبعوث شد باین عنوان حضرت زردشت را به پیغمبر اصحاب الرّسّ در قرآن ذکر میفرماید حضرات مفسّرین چون نفهمیدند رسّ را بمعنی چاه تفسیر کردند و چون حضرت شعیب در مدیان بودند و اهل مدیان آبشان از چاه بود لهذا گمان کردند پیغمبریکه در رسّ مبعوث شد حضرت شعیب بوده و بعضی از مفسّرین ذکر کردند که مقصود از رسّ ارس است پیغمبرهای متعدّد در آنجا مبعوث شدند ولی اسمشان در قرآن ذکر نشده چنین گفتند خلاصه کلام این است که حضرت زردشت در قرآن بعنوان پیغمبر سواحل رسّ ذکر شده و بزرگواری حضرت مثل آفتاب است تا یوم ظهور جمال مبارک بزرگواری حضرت زردشت مستور بود بعد جمال مبارک اسم حضرت را بلند نمودند و در الواح ذکرش فرمودند که حضرت زردشت یکی از مظاهر مقدسه الهیه بود چون ابر بیارد و نسیم بوزد و آفتاب بتابد آنچه در کمون زمین است ظاهر و آشکار گردد بهمین قسم چون شمس حقیقت جمال مبارک ظهور نمود و انوارش بر آفاق بتابید جمیع حقائق و اسرار ظاهر و آشکار شد از جمله مسئله حضرت زردشت بود فارسیان هزار سال و چیزی سرگردان بودند بی سر و سامان بودند الحمد لله جمال مبارک فارسیان را در آغوش عنایت خود گرفت و بعد از هزار سال از این ذلّت و از این مشقّت نجات داد و نبوت حضرت زردشت را اعلان فرمود و این قضیه نیز سبب الفت و محبّت و ارتباط و وحدت عالم انسانست جمال مبارک جمیع امم را در ظلّ جناح عنایت خویش گرفت و کل را دلجوئی فرمود و بجمیع مهربانی کرد لهذا امرش رحمت عالمیان است و ظهورش سبب نجات من علی الأرض و مسرتّ جمیع ملل حکم سیف را برداشت بجای سیف محبّت حقیقیّه گذاشت نفرت و اجتناب را محو فرمود الفت و اجتناب در میان عموم تأسیس فرمود الحمد لله ما را از هر قیدی آزاد کرد و ما را با جمیع ملل صلح و آشتی داد محبّ عالمیان کرد و از بهائیان شمرد لهذا باید هر دم صد هزار شکرانه نمائیم و بعبودیتش قیام کنیم این است نهایت آمال و آرزوی ما ملاحظه کنید که چه موهبتی فرموده الآن این جمع هر یک از جایی و هر نفسی از اقلیمی و کشوری چه قدر مابین ما اختلاف بود چه قدر نزاع بود چه قدر اجتناب بود بصفت رحمانیت بر ما تجلّی کرد همه ماها را جمع کرد الفت داد متحد فرمود و بر سر یک سفره در همچو جایی بلاد غربتی جمع

کرد و کل در نهایت محبت و الفت و اتحاد و یگانگی بر سر این سفره جمعیم و مقصدی جز عبودیت آستان مبارک نداریم و مرادی جز محبت و الفت نخواهیم قلوب با یکدیگر مرتبط است و جانها کل بعنایت جمال مبارک مستبشر از این جمعیت واضح و مشهود است که بعد چه خواهد شد و چگونه بین ملل و مذاهب و شعوب و قبائل مختلفه متحاربه متنازعه الفت و اتحاد و یگانگی حاصل خواهد گشت این عنوانست دیگر معلوم است که متن و شرح این نامه چگونه است این مجلس دیباچه کتابست لهذا معلوم است حقائق و معانی این کتاب چگونه است امیدم چنانست که تماماً هر یک چون بموطن خود یا مسکن خود مراجعت کنید آیتی از آیات الهیه باشید موهبتی از مواهب ربّانی باشید سبب الفت قلوب گردید و سبب اتحاد و ارتباط نفوس بوحدهت انسانی خدمت کنید خادم جمیع بشر باشید و محبّ جمیع من علی الأرض آشنا و بیگانه ندانید یار و اغیار نشمرید با جمیع بنهایت محبت و مهربانی سلوک و حرکت نمائید این است نهایت آمال و آرزوی ما یقین است که معمول خواهید داشت

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) داناورد شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۵ اوت ۲۰۲۳، ساعت ۱۱:۰۰ قبل از ظهر